

بسمه تعالی

جزوه مکالمه های پر کاربرد و مفید عربی

این بصورت خیلی ساده و مختصر جوابگوی نیازهای شما در سفر
به عتبات و بخصوص پیاده روی اربعین خواهد بود



Arbaeen.ir



فهرست:

- ۲..... مکالمه اول: بین زائر ایرانی و مسئول گذرنامه.....
- ۳..... مکالمه دوم: کنار پنجره / بین زائر و یکی از کارکنان.....
- ۴..... مکالمه سوم: بین زائر و راننده اتومبیل.....
- ۵..... مکالمه چهارم: بین زائر و مسئول هتل.....
- ۶..... مکالمه پنجم: بین زائر و یکی از رهگذران.....
- ۷..... مکالمه ششم: بین شما زائر و یکی از زائرین مسیر کربلا در یکی از مساجد.....
- ۸..... مکالمه هفتم: بین زائر مصطفی و صاحب یکی از مغازه ها.....
- ۹..... مکالمه هشتم: بین زائر و صراف.....

مکالمه اول: بین زائر ایرانی و مسئول گذرنامه

الحوار الأول: بین زائر ایرانی و مسئول الجوازات

ترجمه		مکالمه عراقی	
سلام علیکم	زائر	السلام علیکم	الزائر
علیک السلام و رحمة الله. لطفاً گذرنامه‌تان را بدهید	مسئول	و علیکم السلام و رحمة الله. لطفاً جوازک	المسئول
بفرمایید این گذرنامه‌ام است	زائر	تفضل هذا جوازی	الزائر
اسم شما محمدباقر باقری است؟	مسئول	اسمک محمدباقر باقری؟	المسئول
بله این اسم من است	زائر	نعم هذا هو اسمی	الزائر
چندبار به عراق سفر کرده‌اید؟	مسئول	کم مرّة زرت العراق؟	المسئول
این بار دومم است	زائر	هذه هي المرة الثانية	الزائر
بار اولت چه موقعی بود؟	مسئول	و متى كانت المرة الأولى؟	المسئول
سال گذشته بود	زائر	في السنة الأخيرة	الزائر
هدف از آمدن به اینجا چیست؟	مسئول	ما هو هدف زیارتک؟	المسئول
آمده‌ام برای اربعین امام حسین(ع)	زائر	جئت بمناسبة اربعینة الحسين(ع)	الزائر
خداوند زیارتت را قبول کند. جلوی آن پنجره منتظر باشید.	مسئول	تقبل الله زیارتک. انتظر امام ذالک الشباک.	المسئول
در خدمتم.	زائر	بالخدمة	الزائر

مکالمه دوم: کنار پنجره / بین زائر و یکی از کارکنان

الحوار الثاني: عند الشباك / بين الزائر و واحد الموظفين

الزائر	ساعَدك اللهُ.	زائر	خدا قوت
الموظف	شكراً أخی. ما إسمُك؟	کارمند	ممنون برادر . اسمت چیه؟
الزائر	محمد باقر باقری	زائر	محمد باقر باقری
الموظف	كَمْ يوماً تَريدُ البقاءَ فی العراق؟	کارمند	چند روز می خواهی در عراق بمانی؟
الزائر	إسبوعین	زائر	دو هفته
الموظف	الی آییّ المَدن تَريدُ الذهاب؟	کارمند	به چه شهرهایی می خواهی بروی؟
الزائر	الی النجف ثم الی کربلاء ثم الكاظمیة ثم سامراء.	زائر	به نجف بعد کربلا بعد کاظمین بعد سامراء.
الموظف	كم يوماً تبقى فی النجف؟	کارمند	چند روز در نجف می مانی؟
الزائر	یومین.	زائر	دو روز
الموظف	و بقية المدن؟	کارمند	بقیهی شهرها چی؟
الزائر	فی الكاظمیة و سامراء قد أبقى یومین، و بقية الايام فی کربلاء	زائر	در کاظمین و سامراء دو روز می مانم و بقیهی روزها در کربلا
الموظف	خُد جوازک یا اخی، فی امان الله	کارمند	برادر گذرنامهات را بگیر. خدا نگهدارت
الزائر	شاکراً جزیلاً فی أمان الله	زائر	خیلی ممنون. خدا نگهدار.

مکالمه سوم: بین زائر و راننده اتومبیل

الحوار الثالث: بین الزائر ایرانی و بین سائق سیارة

الزائر	ساعدك الله يا أخى	زائر	خدا قوت برادر
السائق	حياك الله يا حاج	راننده	خسته نباشی حاجی
الزائر	الى اين تذهب يا أخى؟	زائر	کجا می روی برادر؟
السائق	الى النجف.	راننده	نجف
الزائر	كم هي أجره النفر الواحد؟	زائر	کرایه ی یک نفر چقدر است؟
السائق	الأجرة مقطوعة هنا. كم نفراً انتم؟	راننده	اینجا کرایه یک کلام (مقطوع) است شما چند نفر هستید؟
الزائر	ثلاثة	زائر	۳ نفر
السائق	حسناً، تفضلوا. اجرة النفر خمسة و عشرون الف دينار (۲۵/۰۰۰)	راننده	خوبه . بفرمایید کرایه ی هر نفر بیست و پنج هزار دینار است
الزائر	يَحتمل تتأخر عشرة دقائق.	زائر	ممکن است ۱۰ دقیقه تأخیر کنیم.
السائق	لماذا؟	راننده	برای چی؟
الزائر	لان الحقائق ثقيلة و بعيدة.	زائر	برای این که ساک هایمان سنگین و دور هستند.
السائق	هذا الذى أمامكم حمال، خذوه ليأتى بالحقائب بعربته.	راننده	این کسی که جلوی شماست حمال است، همراه خود ببریدش تا ساک هایتان را با کالسکه بیاورد.
الزائر	أحسن، سأخذه و نأتى بسرعة ان شاء الله.	زائر	احسنت. همراه خود می برم و ان شاء الله زود برمی گردیم.

مکالمه چهارم: بین زائر و مسئول هتل

الحوار الرابع: بين الزائر و بين مسؤول الفندق

الزائر	السلام عليكم	زائر	سلام عليكم
المسئول	وعليكم السلام. اهلاً و سهلاً. تفضل.	مسئول	عليكم السلام . خوش آمدی . بفرمائید
الزائر	هل توجد لديكم غرفة خالية ذات ثلاث (٣) أسرة؟	زائر	آيا اتاق خالی با ٣ تخت خواب دارید؟
المسئول	فقط رجال؟	مسئول	فقط برای آقا؟
الزائر	نعم فقط رجال.	زائر	بله فقط برای آقا
المسئول	نعم يوجد في الطابق الثالث.	مسئول	بله داریم در طبقه سوم
الزائر	أعندك في الطابق الأول؟	زائر	در طبقه اول دارید؟
المسئول	لاماعدنا، و لكن أمامك وصعد كهربائي	مسئول	نه ندارم، ولی جلوی شما آسانسر است
الزائر	حسناً لنراها.	زائر	خوب است ببینمش
المسئول	تفضل هذا مفتاحها واصعدوا «بعد الرؤية»	مسئول	بفرمایید این کلیدش است برید بالا (بعد از دیدن اتاق)
الزائر	ما هو ايجارها يا اخي؟	زائر	کرایه اش چند است برادر؟
المسئول	أمامك هذه اللوحة واقرا الإيجارات عليها.	مسئول	روبرویت این تابلو است قیمت اجاره ها را از رویش بخوان
الزائر	يظهر ان الايجارات عندكم محدده؟	زائر	ظاهراً اجاره ها نزد شما مشخص است.
المسئول	نعم. ايجارات الفنادق الجيدة محددة من قبل الدولة.	مسئول	بله اجاره های هتل های بسیار خوب از طرف دولت مشخص شده است.
الزائر	حسناً لنستلمها.	زائر	خیلی خوب، می گیرمش
المسئول	كم ليلة تريودن البقاء؟	مسئول	چند روز می خواهید بمانید؟
الزائر	ثلاثة ليالٍ	زائر	٣ شبانه
المسئول	طيب . أريد هُويَاتِكُمْ لطفاً.	مسئول	خوب است. کارت شناساییتان را می خواهم لطفاً
الزائر	هذه هُويَاتنا.	زائر	این کارت شناساییمان
المسئول	شكراً تفضلوا فالغرفة مهَيَّئَة.	مسئول	ممنون بفرمایید اتاق آماده است
الزائر	عفواً . حياك الله.	زائر	خواهش می کنم خسته نباشید

مکالمه پنجم: بین زائر و یکی از رهگذران

الحوار الخامس: بين الزائر و بين احد المارة

الزائر	السلام عليكم	زائر	سلام عليكم
احد المارة	وعليكم السلام ورحمة الله.	رهگذر	عليكم السلام ورحمت الله
الزائر	لطفاً اين يقع مستشفى الجوارين (ع)؟	زائر	لطفاً آدرس بیمارستان جوادین را بدهید؟
احد المارة	لا يوجد هذا الاسم. تقصيدُ مستوصف الجوارين(ع)؟	رهگذر	همچین اسمی نداریم. منظورتان درمانگاه جوادین است؟
الزائر	نعم نعم مستوصف الجوارين.	زائر	بله بله درمانگاه جوادین
احد المارة	تركبُ هذا الباص (التوبوس) رقم سبعة عشر (١٧) يُوصلُك اليه.	رهگذر	سوار این اتوبوس شماره‌ی ١٧ می شوید، امشب شما را می رساند.
الزائر	أحسنُت يا اخي. وهل يوجد هناك صيدلية؟	زائر	خیلی ممنون برادر. آیا اینجا داروخانه هم هست؟
احد المارة	ما تحتاجه من أدوية يوجدُ عندهم.	رهگذر	هر دارویی که بخواهی آنها دارند.
الزائر	نعم صحيح و لكن محتاجُ الي شراء بعض الادوية.	زائر	بله درست است ولی من نیاز به خرید بعضی از داروها را دارم.
احد المارة	هنا في المركز يوجد صيدلية.	رهگذر	در این مکان داروخانه وجود دارد
الزائر	لطفاً في أي مكان؟	زائر	لطفاً در کدام مکان قرار دارد؟
احد المارة	في وسط شارع الحسين(ع) تجد زقاقاً من الجانب الأيمن منه صيدليةُ أبي الفضل(ع).	رهگذر	در وسط خیابان حسین (ع) کوچه‌ای در سمت راست وجود دارد داخلش داروخانه‌ی ابی الفضل.
الزائر	شكراً جزيلاً يا اخي فقد زاحمتك	زائر	خیلی ممنون برادر زحمتت دادم.
احد المارة	عفواً يا اخي، هذا واجبي.	رهگذر	خواهش می کنم برادر این وظیفه ام است.

مکالمه ششم: بین شما زائر و یکی از زائرین مسیر کربلا در یکی از مساجد

الحوار السادس: بين الزائر و بين احد المشاة الى كربلاء في أحد المساجد

الزائر	السلام عليكم.	شما	سلام عليكم
احدالمشاة	و عليكم السلام ورحمة الله.	زائر مسير	عليكم السلام و رحمت الله
الزائر	الله يتقبل صلاتك.	شما	خدا نمازت را قبول کند
احدالمشاة	منّا و منكم	زائر مسير	از ما و شما
الزائر	متى نصل الى كربلاء؟	شما	چه وقت به کربلا می رسیم؟
احدالمشاة	نصل الى كربلاء إن شاء الله عندالمغرب	زائر مسير	ان شاء الله مغرب به کربلا می رسيم.
الزائر	اين نتناول طعام الغداء؟	شما	کجا ناهار ميل می کنیم؟
احدالمشاة	أما تشم رائحة الرزّ و القيمة؟	زائر مسير	مگر رایحهی برنج و قیمة به مشامت نمی رسد؟
الزائر	تقصد هنا. نعم اشم رائحة طيبة.	شما	منظورت اینجا. بله این رایحهی خوش به مشامم می رسد.
احدالمشاة	نعم هنا سنتناول طعام الغداء بعد صلاة العصر.	زائر مسير	بله ، اینجا ناهار را ميل می کنیم ، بعد از نماز عصر
الزائر	وهل تحب الرزّ و القيمة؟	شما	آیا از برنج و قیمة خوشت می آید؟
احدالمشاة	كيف لا أحبه و هو طعام المجالس الحسينية.	زائر مسير	چگونه خوشم نیاید این غذای مجالس عزاداری امام حسین (ع) است.
الزائر	نعم و هذا هو المتعارف في إيران ايضاً.	شما	بله همچنين در ايران هم متعارف است
احدالمشاة	الظاهر انت من اخواننا الايرانيين؟	زائر مسير	ظاهراً تو از برادران ایرانی ما هستی؟
الزائر	نعم و هذه المرة الثالثة أزور فيها اربعينة الحسين (ع)	شما	بله و این بار دوم است که برای زیارت اربعین امام حسین (ع) می آیم.
احدالمشاة	اهلاً و سهلاً و مرحباً بأخينا الموالى.	زائر مسير	خوش آمدی برادر محب اهل بیت
الزائر	و في كل مرة أمشى من النجف الى كربلاء.	شما	در هر بار، از نجف تا کربلا را پیاده می روم.
احدالمشاة	نحن نتشرف بتراب زوار الحسين (ع) وانت في ضيافتنا في موكب النجف الاشرف الى ان تعود.	زائر مسير	ما خاک زیر پای زائرین امام حسین (ع) هستیم و شما مهمان مادر هیئت نجف اشرف هستید تا روزی که برگردیم.
الزائر	شكراً جزيلاً يا اخى و هنيئاً لاهل العراق على هذه الضيافة التي لا يوجد مثل لها في العالم.	شما	خیلی ممنون برادر خوشا به حال مردمان عراق که چنین مهمانی دارد که نظیر آن در دنیا نیست.
احدالمشاة	وهنيئاً لهؤلاء المشاة القادمين من اماكن بعيدة و غايتهم الاولى و لاخيرة زيارة إمامهم الحسين (ع) مشياً مواساةً له.	زائر مسير	و خوشا به حال این زائران پیاده که از مکان های دور آمده اند و هدف اول و آخرشان زیارت امامشان حسین (ع) با پای پیاده برای تسلاهی قب ایشان است.

مکالمه هفتم: بین زائر مصطفی و صاحب یکی از مغازه ها

الحوار السابع: بین الزائر مصطفی و صاحب الحد الحوانیت

الزائر	السلام علیکم	زائر	سلام علیکم
صاحب الحد الحوانیت	وعلیکم السلام. تفضل یا أخی	صاحب یکی از مغازه ها	علیکم السلام . بفرمایید برادر
الزائر	کم سعرُ هذا القیص رجاء؟	زائر	قیمت این پیراهن چند است خواهشاً؟
صاحب الحد الحوانیت	سعره عشرون الف دینار.	صاحب یکی از مغازه ها	قیمتش بیست هزار دینار است
الزائر	هذا غالٍ جداً یا أخی	زائر	این خیلی گران است برادر
صاحب الحد الحوانیت	نعم ولكنّه من الصوف الجید.	صاحب یکی از مغازه ها	بله ولی جنس پارچه اش خیلی خوب است
الزائر	فهل یمكن ان تقلل ثمنه؟	زائر	آیا ممکن است قیمتش را ارزان کنید؟
صاحب الحد الحوانیت	سعره الأخير ثمانية عشر الف دینار.	صاحب یکی از مغازه ها	قیمت آخرش هجده هزار دینار است
الزائر	حسناً أریده من الحجم المتوسط.	زائر	خوب است اندازه‌ی متوسط را می خواهم
صاحب الحد الحوانیت	طیب، حسب رغبتک، تفضل كما تُحب	صاحب یکی از مغازه ها	باشد. هر چه سلیقه ات می خواهد بفرما هر آنچه که می خواهی
الزائر	و بکم تبیع ذلك المعروض فی واجهه المحل؟	زائر	قیمت اونی که داخل ویتترین مغازه است چنده؟
صاحب الحد الحوانیت	ذلك، بخمسه و عشرين الف دینار.	صاحب یکی از مغازه ها	آن، بیست و پنج هزار دینار است
الزائر	اذا یمكن التقلل فأدید اثنتین.	زائر	اگر ممکن است ارزانتر بدید من دو تا می خواهم
صاحب الحد الحوانیت	بأثنتین و عشرين	صاحب یکی از مغازه ها	بیست و دو هزار دینار
الزائر	اذا یمكن بعشرين فأعطنی اثنتین	الزائر	اگر ممکن است بیست هزار دهید تا دو تا بگیرم
صاحب الحد الحوانیت	مالونهما و ما حجمها؟	صاحب یکی از مغازه ها	چه رنگهایی و چه اندازه هایی؟
الزائر	واحد بالحجم الکبیر واریده رصاصی.	الزائر	یکی اندازه‌ی بزرگ و نوک مدادی باشد
صاحب الحد الحوانیت	والثانی؟	صاحب یکی از مغازه ها	و دومی؟
الزائر	متوسط و بلون حُمصی	الزائر	متوسط و رنگ نخودی باشد
صاحب الحد الحوانیت	بالخدمه . تفضل خذهما	صاحب یکی از مغازه ها	در خدمتم. بفرما بگیرشان
الزائر	کم صار المبلغ الکلی؟	الزائر	مبلغ (قیمت) همش چقدر شد؟
صاحب الحد الحوانیت	صار ثمانية و خمسين الف دینار	صاحب یکی از مغازه ها	شد پنجاه و هشت هزار دینار
الزائر	تفضل هذا هو المبلغ	الزائر	بفرما این هم مبلغش
صاحب الحد الحوانیت	شکراً چیزیلا مبارک	صاحب یکی از مغازه ها	خیلی ممنون . مبارک باشد

مکالمه هشتم: بین زائر و صرافی

الحوار الثامن: بین الزائر مصطفی و بین الصراف

الزائر	الله یا عد یا اخی	زائر	خدا قوت برادر
الصراف	حیاک الله یا حاج.	صراف	خسته نباشی حاجی
الزائر	ما سعر الدولار اليوم؟	زائر	قیمت دلار امروز چند است؟
الصراف	عندک تومان؟	صراف	شما تومان دارید؟
الزائر	لا، عندی دولار	زائر	نه ، دولار دارم
الصراف	و تريد تومان	صراف	پس تومان می خواهی؟
الزائر	نعم اريد توماناً	زائر	بله تومان می خواهم
الصراف	سعره اليوم الفان و تسع مئة و عشرون تومان	صراف	قیمت امروز دو هزار و نهصد و بیست تومان است
الزائر	و کم هو سعر الدينار العراقي بالتومان	زائر	قیمت دینار عراقی به تومان چقدر است؟
الصراف	الف دينار يساوی الفین و خمس مئة تومان	صراف	یک هزار دینار برابر با دو هزار پانصد هزار تومان
الزائر	طيب شاكرأ جزیلا	زائر	باشه خیلی ممنون
الصراف	ماذا تريد ان تصرف الآن؟	صراف	الآن چه چیزی را می خواهی چنج کنی؟
الزائر	عندی تومان و اريد شراء دينار به ولكن اريد ان أسأل بقیة الصرافین لأرى الاسعار	زائر	من تومان دارم و می خواهم دینار بخرم ولی می خواهم از بقیه ی صرافی ها قیمت را مطلع شوم.
الصراف	اذهب وفتش و نحن لا نتعامل الا بسعر السوق و لا نفرق بین المراجعین	صراف	برو و جستجو کن، ما براساس قیمت بازار معامله می کنیم و بین مراجعه کنندگان فرقی قائل نیستیم.
الزائر	جولة صغيرة عند الصرافین و اعود.	زائر	بین صرافی ها دوری می زنم و باز میگردم
الصراف	نعم لك كامل الحرية.	صراف	بله اختیار با شماست
الزائر	و هل عندكم جميع العملات؟	زائر	آیا همه ی ارزها را دارید؟
الصراف	عندنا أشهر العملات الصعبة.	صراف	ما رایجترین ارزها را داریم
الزائر	شکراً فی امان الله	زائر	ممنون خدا نگهدار
الصراف	فی امان الله و حفظه، و لکنک ستعود حسب قناعتی	صراف	خدانگهدار و حافظت باشد ولی به حسب ظنم دوباره بر می گردی
الزائر	ان شاء الله فأخلاقکم طيبة جداً	زائر	ان شاء الله اخلاقتان خیلی خوب است.